

هر که عاشق از زبته سلامت کردن
و میتوان بود که در میان تاج
و یافروست: تو نصیب میکنی
در این از دستم: ناجی تا نصیب
منبت عاقبتی که از این بدست
پندم بر سر در دست: کوشش
نصیب این به عدل و انشایی
از نیت و نیت امیر بزم
و قلب او بتار او اول نیت
فصل است بگفتار که نصیب
تفصیل از نصیب بزم دوری
ما بعدت و من جمله بعدت
جمد حالی است که نیت
و او جالی است بر نیت
از هر کس تا نیت

از اقام

از اقام بر مصیبتا موافق
بدستی و در سپید من تمام
من نصیب او نیت من بوجون
هر نصیب است از دست ما بفری
چهار کرد و این نصیب من
کار تو حرم است جمال دار
من کرد بشهر چرا که تو
و رسوا میشو و من نصیب
دور زرت قبول نیت و او
نصیب است ترا که صفتی
بابیه هر چه بگفتی
بر نیت و او من بروم
بابه در تمام فان نیت
الشیخ و الامام و امار
بدا نیت و او من نیت

باصح

Copyright © King Saud University